دهان پر از عربی‏ست؟

دکتر امیر هوشنگ دانایی

هنوز پس از 50 سال زمان،نوای شکر فروش معانی،ادیب‏ سخنور،استاد فقید،بدیع الزمان فروزانفر به گوش می‏رسد که به ما دانشجویان گفت:«قرآن کتابی‏ست که از آسمان به زمین نازل گردیده‏ و حافظ کتابی که از زمین به آسمان رفته است».

آری،اگر سرودهای حافظ،گوش‏نواز نبود،هفت قرن بر سکوی‏ ادب و ادبیات فارسی،جلوه نمی‏کرد و عارف و عامی،موسیقی‏دان و شنونده،فقیه شهر و دیار،استاد و شاگرد،همگان شیفته‏ی جمال او نمی‏شدند و سخنش به فال نیک نمی‏گرفتند و تفأل نمی‏زدند.بدون‏ تردید،فرهنگ و ادبیات حافظ،حکایت از تحصیلات عمیق و استادانه‏ی او در ادبیات فارسی و نیز آگاهی از ادبیات کهن عربی و معلقات عرب و قرآن‏شناسی دارد؛با تمام احوال باید گفت که میدان‏ برد خواجه شیراز در زبان و ادبیات فارسی صدها مرتبه برتر و سنگین‏تر از سروده‏های شاعر در غزل‏های عربی می‏باشد.

خوجه‏ی شیراز در قرن هشتم هجری به دنیا آمد و در اواخر قرن‏ هشتم در شیراز بدرود حیات گفت.

او هیچ‏گاه در عمر خود از خطّه‏ی فارس به کشورهای دیگر سفر نکرد و با شعرای عرب در تماس نبود؛اما ذو ق سرشار حافظ تا بدان‏ اندازه بود که توانست بر اثر تحقیق در متون عربی کهن، بدایعی به زبان عربی هرچند کوته بسراید و با شیخ مصلح الدین سعدی‏ شیراز که 30 سال در صفحات و سرزمین‏های عربی مانند شام و طرابلس و حتا مصر به سر بده بود،پهلو بزند و نغمه سرایی کند؛زیرا زبان عربی در بسیاری از مقامات،ملازم و هم‏دوش زبان فارسی باید باشد تا بر جلوه‏ی سخن بیفزاید،چنان‏که در گلستان سعدی ملاحظه‏ می‏گردد.به‏هرحال بر سخنور شیراز ایرادی نیست که در سروده‏های‏ عربی همتای بحتری،ابو العلاء و متنبّی نیست،ناگفته نماند که‏ شاعران عرب عنین اندازه که حافظ به زبان عربی تسلط داشت،آنان‏ به زبان فارسی آشنا نبودند و اثری بر جای ننهادند.

درخشندگی غزل‏های حافظ چنان است که صدها نویسنده‏ی‏ ایرانی در طول سده‏های گذشته به بررسی،نقد وتفسیر اثر جاویدان‏ خواجه پرداخته و شعاع تابنده‏اش در افغانستان،هند و پاکستان‏ درخشیده است.دانشگاهیان این کشورها با حافظ بسیار آشنایند و آشنایی آنان کم‏تر از شناخت ایرانیان نیست.

کتاب حافظ به زبان‏های گوناگون اروپایی ترجمه شده است،بویژه‏ این که دانشمندان ترک زبان نسبت به نشر اثر خواجه اهتمام قابل‏ توجهی نشان داده‏اند.1

خواجه‏ی شیراز در ملمعی عارفانه چنین می‏سراید:«أتت روائح‏ رند الحمی و زاد غرامی‏2-فدای خاک در دوست باد جان‏گرامی‏

پیام دوست شنیدن سعادتست و سلامت‏ من المبلغ عنّی الی سعادَ سلامی

این ملمع عاشقانه،از لحاظ وزن عروضی همانند غزلی ادیبانه از هموطن حافظ،استاد سخن سعدی شیراز است که چنینی می‏سراید: «سلل مصانع رکبا قهیم فی الفلوات-تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی»

«

شبان تیره امیدم به صبح روی تو باشد و قد تغشّش عین الحیاة فی الظلمات

در بررسی سروده‏های عربی حافظ ملاحظه می‏شود که‏ مصراع‏های فارسی بسیار آبدارتر و سنگین‏ترو پرمحتوی‏تر است:

شب وصل است و طی شده نامه هجر سلام فیه حتا مطلع الفجر وفا خواهی جفاکش باش حافظ فانّ الرّبح و الخسران فی التّجر

نمونه دیگری از مقایسه نیم بیت فارسی با عربی مویّد مطلب‏ است:

بیا ای طایر دولت بیاور مژده‏ی وصلی‏ عسی الایّام ان یرجعن قوما کالذی کانوا

ملمعی دیگر:

دل حافظ شد اندر چین زلفت‏ بلیل مظلم و اللّه هادی

در یک غزل فارسی و عربی همراه با ابیات محلی شیزاری نیز ملاحظه می‏شود که مصراع عربی در سطح بالای ادبیات محلی شیزاری نیز ملاحظه می‏شود که مصراع عربی در سطح بالای ادبیات عرب نیست:

حبیبا در غم سودای عشقت‏ تو کلنا علی ربّ العباد

در غزلی دیگر هماهنگی وزن،بین سروده‏ی حافظ و شیخ سعدی‏ مشهود است،به شرح زیر:

یا مبسما یحاکلی درجا من الّلالی‏ یا رب چه درخور آمد گردش خط هلالی‏ یا غایة الامانی قلبی لدیک فانی‏ شخصی کما ترانی من غایة اشتیاقی

سعدی

پی‏نوشت‏ها

(1)-ر.ک.به لغت‏نامه استاد دهخدا.

(2)-بوی خوش عود از اقامتگاه معشوق رسید و بر عشق من افزود.